ASL-60

Persian Fiqh

Khair-ul-Fiqah
Murtajai Press Lahore
16 Pages
1325 H

من يرد الله به خيرا يفقهه في الدين

الحمد لله و المنة که درین زمان سعادت اقتران نسخهٔ عجیبه و صحیفهٔ غریبه

مسمی به خیر الفقه

۱۳۲۵ هجری

بفرمایش حاجی چراغ الدین سراج الدین تاجران کتب لاهور بازار کشمیری

در مطبع مصطفائی لاهور طبع شد

60
189
Persian fiqh
Khair ul fiqah
1325H
Mustafai Press Lahore
16 pages
ASL 60

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله ذی العزة والبقاء والمنزه عن النقص والفناء والشکور بحسن الثناء المعبود فی الارض والسماء الممدوح باحسن الصفات والاسماء المودود فی قلوب الاولیاء والاتقیاء والصلوة والسلام علی رسوله المنازل من قریش فی سنة البطحاء المبعوث الی العجم والعرب ملحی اللعینة والبدعة والهوا الداعی الی الشریعة السنیة البیضاء والطریقة الساوکینة العلماء المخصوص بالخلق العظیم والسیخاء المصون عن المعاصی للنقول والافتراء وعلی اله الطاهرین مصابیح الظلماء واصحابه الطیبین کالنجوم فی السماء فی الاهتداء ما اقتدی اما بعد فیقول العبد المفتقر الملتجی الراجی الی رحمة الملک لودی احمد بن حمید بن شهاب الملقب بن نظام اصلح الله وله وتقبل عماله لما جمعت المشکلات من کتب المتقدمین تصنیفات اهل الدین التمس منی بعض اصحابی اخوانی وزمرة اخلائی ان ما عبر تلک المسائل بالفارسیة الملغیا من الضلالات والوبصات المضعوب فضمنت ملتمسهم ونکفلت مقضیتهم حتی تاملت فیها ونظرا التعلمون ثم سرعت فی تعبیر علی صورة السوال والجواب لیکون الی الدرک والفهم وسمیته مشکلات الفقه واسئل الله تعالی ان یوفقنی علی الایمان فانه

والگر خواهد باطل کند صورت این مسئله چگونه باشد جواب آن مرد در میان صحرا
بود و آب نیافته بود که بآن آبدست کند به تیمم نماز گذارد و آنمرد که پهلو واستاد با خود مطهره
پر آب داشت و در شریعت چنین گویند که اگر به تیمم میگذارد و دیگر در عین نماز با آب
رسید و پهلو واستاد چون از نماز فارغ شود از ان مرد آب بطلبد اگر آنمرد آب ندهد نماز
او درست باشد و اگر بدهد نماز که گذارده است باطل شود زیرا که موجود بودن آب تیمم
را بشکند پس صلاح هست و نماز وی بدست آنمرد باشد اگر خواهد نماز درست دارد و اگر خواهد باطل کند
سوال اگر ترا پرسند که بنده مولی خود را فروخته هم در اثنای راه بنده آزاد شد و مولی گشت و مولی
بنده گشت صورت این مسئله چگونه باشد جواب بگو مولی او حربی کافر بوده است و
بنده مسلم را در دار حرب خرید کرده بود بعده آن حربی با آن بنده بغیر امان در دار سلام در آمد
هر که برو غالب شود و بگیرد مالک گردد نزد ابی حنیفه کوفی اما نزدیک صاحبین بنده مالک
نگردد ولیکن خود حر بود و همچنین اگر حربی از دار حرب بے امان خواسته در دار السلام در آمد در بازار
رفت و غلامی خرید و در شریعت حکم این آنست که اگر حربی بے امان خواسته بمصلحتے در دار الاسلام
در آمد هیچکس را برو دستی نباشد اما چون از شهر بیرون رود هر که برو غالب شود برو
و مالک گردد و چون این غلام از شهر بیرون رفت حر گشت و نیز حربی مالک گشت سوال
اگر ترا پرسند هر نجاستیکه هست باب شوئیدن پاک شود اما آن نجاست کدام است که بغیر از
آب پاک شود جواب بگو آن خمر و پوست مردار است زیرا که خمر در نمک انداختن پاک شود و پوست
مردار بدباغت سوال اگر ترا پرسند که زن و شوهر بر یک بستر خفته بودند چون بیدار شدند در بستر آب منی را

پنج اشتر دارد لیکن قیمت شتران دویست درم شرعی نیست پس ورا غنی نگویند و اخذ صدقه مر او را جایز است اگرچه ادای زکوة شتران مر وی واجب شده است **سوال** اگر ترا پرسند که مردی قومی را در مسجد امامت میکرد و هم در اثنای آن نماز مردی آمد و بر موزه او تازیانه زد و نماز همه فاسد گشت این مسئله چگونه باشد **جواب** بگو آن امام را وضو و مسح فراموش کرده بود همچنان امامت میکرد و چون مردی بر موزه تازیانه زد و مسح موزه او بش آورد و نماز همگنان فاسد و تباه گشت زیرا که مسح بر موزه فرض نه بود و چون نماز او فاسد شد نماز مقتدیان نیز فاسد شد **سوال** اگر ترا پرسند که جماعتی مسافران بمسافری اقتدا کرده بود یکی از مقتدیان نیت اقامت کرد و نماز همه فاسد گشت این مسئله چگونه باشد **جواب** بگو آن مرد که امامت میکرد او بنده مولی بود و مولای نیت اقامت کرد و بنده ازین حال خبردار نبود و نماز مسافرانه میگزارد و سلام داد و پس نماز ایشان فاسد شد زیرا که برایشان نماز مقیمانه واجب است بر امام از جهت اقامت مولی و بر مقتدیان از جهت تبع امام **سوال** اگر ترا پرسند که امامی و موذنی و جماعتیان در مسجد نماز میگذاردند درین اثنای مردی ویران مسجد بسبب زن امام و موذن و جماعتیان را سیاست واجب شد و لایق آن گشت که مسجد را خراب کنند آن چگونه باشد **جواب** بگو مردی دو زن داشت و بسفر رفت چون او را در سفر مدتی در آمد زنان او خواستند که شوهر دیگر کنند حیله انگیختند و بر قاضی موافقت کردند که مدت است شوهر ما در سفر رفته است درین وقت او را انجا مرده ما را اجازت داد تا پاشی کشائیم و شوهر دیگر کنیم قاضی بر موت شوهر ایشان گواهی طلبید این دو مرد که جماعتیان اند

برای دفع کردن حرج سوال مردی نماز شام شروع کرد در سه رکعت نماز نه کرت
تشهد خواند این مسئله چگونه باشد جواب بگو آن مرد مسبوق است که امام را در رکعت دوم
بعد از برداشتن سر از رکوع دریافت و برای پیروی در قعده اولی با تشهد خواند
و پس یک تشهد همچنین باشد بعد یک رکعت که از نماز امام باقی مانده بود که آن برابر
امام گذارد دوم رکعت تشهد خواند بعده امام را در نماز سهو بود سجده سهو کرد تشهد
خواند او نیز متابعت کرد سوم بار تشهد خواند بعده ازان امام سجده تلاوت را که در نماز واجب
شده است یاد آورد سجده کرد و تشهد خواند او نیز متابعت کرد چهارم تشهد خواند
و نیز امام سجده سهو بسبب آن بجا آورد و نیز متابعت کرده پنجم بار تشهد خواند چون امام
سلام داد از نماز بیرون آمده بعد او از جهت قضاء دو رکعت که از وی فوت شده بود
بر خاست یک رکعت گذارد ششم مرتبه تشهد که ازین دو رکعت سوم استاده شده بگذارد
هفتم بار تشهد خواند بعد ازان سجده سهو که ازین دو رکعت بر وی واجب شده است بجا
آورده هشتم بار تشهد خواند بعد از آن تلاوت آورده نهم کرت تشهد خواند سوال اگر ترا
پرسند مردی دوگانه نماز بامداد شروع کرد هم در دو رکعت هفت سجده کرد چگونه باشد
جواب بگو آن مسبوق است که امام را دوم رکعت بعد از برداشتن از برخاستن
سر از رکوع یافته بود همدران ساعت امام محدث گشت همان مسبوق
را خلیفه گرفت او در دو سجده که امام از رکعت دوم گذاشته بود که یک سجده
دیگر که امام دو رکعت اول فراموش کرده آنرا نیز اقتضا کرد بعده تشهد خوانده

ویکدختر زن او باشد و دو دختر دیگر چون بنده پدر او بودند میراث بدو رسیدند
پس پنج دختر که از یک شکم اند یکی زن او باشد و دو خواهر او و دو کنیزک او باشد سوال
اگر ترا پرسند که مردی یکزن و یکدختر و یک کنیزک داشت یکی را از آن سه بالای بام دید
بر خود گفت اگر آن زن آنمرد است پس او را طلاق داد و اگر کنیزک آنمرد است او را
آزاد کردم و اگر دختر آن مرد است چند چوب زنم و بدین سبب سوگند نیز بر زبان راند و
بعده در خانه آمد و ایشان را پرسید که از میان شما بالا بام که بود هر یکی گفت من بودم آنمرد
کرا تکذیب کند و قول کرا معتبر دارد چگونه باشد جواب بگو قول دختر معتبر بود چند
چوب زدن بر آنمرد واجب آید و زن از جهت آن می گوید تا طلاق بروی افتد
و از شوهر خلاص یابد اما بر دختر هیچ احتمال کذب نیست قول دختر معتبر باشد
سوال اگر ترا پرسند دو زن حامله در حجره تاریک بچه آوردند یکی پسر و یکی دختر و هر یکی
از ایشان میگوید که پسر من آورده است چون پیش قاضی روند قاضی چگونه کند جواب
بگو دو شیشه خورد بیارد و هر دو بیکوزن شیر ایشان پر کرده وزن کند شیر هر که گران
باشد پسر او را بدهد سوال اگر ترا پرسند کودکی حلال زاده میگوید که اول مادر من در
نکاح پدر من در آمد اول خطبه نکاح من خوانده بوده ام چگونه باشد جواب بگو مردی را
از کنیزک خود پسر زاده بود آن کنیزک را آزاد کرد چون پسر بزرگ شد آن مرد همان
کنیزک را در نکاح خود آورد و خطبه آن پسر او خواند سوال اگر ترا پرسند مردے
صحیح شرعی بده درم مثل بزنی خواست و در سفر رفت و زن او

آنمرد به پهلوی آن زن بنشست مردی دیگر آمد او نیز پرسید که اینجا چه نشسته گفت میخواهم که نفس خود را بکسی بزنی بدهم آن مرد گفت که مرا بزنی بده او گفت دادم او هم به پهلوی او بنشست بعده مردی دیگر آمد پرسید او را نیز همچنان جواب داد عقد بمیان آر بعده هر کس خصومت کنان بر قاضی رفتند و صورت حال چنانچه گذشته بود بازنمودند حاکم بعد تحقیق بجواز نکاح سوم حکم کرد آنزن او را داد آمد این مسئله چگونه باشد **جواب** بگو آن عقد اول بغیر شهود بود و نکاح بغیر شهود باطلست همچنین نکاح دوم و آن سوم نکاح جایز باشد زیرا که همین دو کس که در پهلوی او نشسته بودند گواه شدند پس نکاح ایشان فاسد شد نکاح ثالث جایز باشد **سوال** مردی مادر و دو دختر خود را در یکعقد بهزار درم مثل بمردی بزنی داد و نکاح هر سه جایز باشد چگونه باشد **جواب** بگو آن غلط است هر سه زن میان خود بیگانه اند پس اجتماع ایشان در عقد واحد درست باشد صورت مسئله آنست که کنیزکی میان دو کس مشترک بود آن کنیزک پسر آورد و شریکان دعوای نسبت کردند پس نسبت او را هر دو شریک ثابت کردند و هر دو ایشان هر دو پدر او بودند و این هر دو پدر را یگان یگان دختر بود از زنی دیگر پسر را هر دو دختر خواهر آن بودند از طرف پدر پس او بعد از وفات هر دو پدر و هر دو خواهر خود را و مادر را در یکعقد بمردی بزنی داد پس نکاح ایشان جایز باشد زیرا که میان ایشان هیچ قرابتی نیست **سوال** مردی دو زن داشت یکی ازین دو زن بچه را شیر داد و زن دوم بر آنمرد حرام شد این مسئله چگونه باشد **جواب** بگو آنزن دوم

وآن پسر بالغ شد بعده مادر او وفات یافت پس آن پسر بر مولی دعوی مهر مادر کرد مولی از جهت فروختن آن بنده همان پسر او را وکیل کرد پسر او بحکم وکالت مولی پدر خود را بفروخت و درم از قیمت او بمادر مهر مادر خود استیفا کرد سوال بچه البته مادر و پدر او بنده و خود آزاد بغیر اعتاق کسی این مسئله چگونه باشد جواب آن بچه البته که پدر او باذن مولی کنیزک پدر خود بزنی کرده بود و پدر او حر است از وی آن پسر زاد پس آزاد باشد زیرا که پسر آن حر است سوال مردی زنی را بغیر نکاح وطی کرد آن زن بر وی دعوی مهر کرد و پیش حاکم مسلمانان برد بعد از ثبوت دعوی بوجوب مهر و لزوم عدت و ثبوت نسبت از وی حکم کرد چگونه باشد جواب بگو آن موطوءة است بشبهه نکاح صورت این مسئله آنست که مردی زنی را بده درم مثل بزنی خواست چون وقت خلوت شد آن زن زنی دیگر بغلط بروی فرستادند و گفتند که این زن تست و آن مرد را این خبر نبود تمام شب هر دو یکجا بودند چون بامداد شد آن زن دعوی مهر کرد و او را پیش حاکم مسلمانان برد حاکم بعد از ثبوت بروی حکم کند سوال زنی نفس خود را در یک عقد با دو مرد بزنی داد نکاح یکی جایز و نکاح دوم فاسد این مسئله چگونه باشد جواب بگو آن مرد که نکاح او فاسد است در خانه چار زن داشت و آن پنجم زن در شرع جایز نیست پس نکاح او فاسد و دیگری جایز سوال زنیست مهر او بر مردی واجب شد و میان ایشان زن و شوئی نیست جواب بگو که شوهر آن زن مردی را جهت نکاح خود وکیل ساخت آن مرد بحکم وکالت او زنی را در نکاح کرد و ضمان مهر او کرد پس

۹

جواب بگو شیرانی در دیگ بیندازد و بیضه میان آن اندازد و بپزد تا طلاق بروی نیفتد

سوال مردی لقمهٔ طعام در دهن کرده مردی او را گفت که اگر لقمه بخوری پس زن آنمرد را سه طلاق اگر بیرون اندازی او را سه طلاق حیله آن چیست جواب بگو حیله درین صورت آنست که نیمه از آن لقمه بخورد و نیمی بیرون اندازد تا حانث نشود سوال مردی سوگند خورد که امروز قرآن نخوانم بعده وقت نماز در آمد قرائت چگونه خواند جواب بگو بجماعت نماز بگذارد یعنی بکسی اقتدا کند تا محتاج قرائت نشود و حانث نشود سوال مردی سوگند خورد که امروز هیچ وقت نماز بجماعت نگذارم و بازن جماع کرد و گفت که غسل در روز نیارم و آب موجود دارد و صحیح البدن است حیله آن چیست جواب بگو نماز پیشین و نماز دیگر بجماعت بگذارد و بعده با زن خود جماع کرد و بعد از غروب غسل کند و بعده نماز شام و خفتن با جماعت بگذارد تا حانث نشود زیرا که هیچ وقت نماز نگذارد و هم در روز غسل نکرد سوال مردی زنی خود را گفت که اگر من بالای نیزه با تو جماع کنم پس ترا سه طلاق حیله آن چیست جواب بگو درین صورت حیله آنست که در سقف سوراخ کند و سر نیزه بیرون کند بالای آن جماع کند تا حانث نشود

سوال مردی بنده دارد و سوگند خورد که این بنده را نفروشم و نبخشم بعده میخواهد که بفروشد حیله آن چیست جواب بگو حیله درین صورت آنست نیمی از آن بنده بفروشد و نیمی ببخشد تا حانث نشود سوال مردی در ماه رمضان سوگند خورد که طعام عشا نخورم بعده وقت افطار در آمد چگونه در آید و طعام

همچون زنان دیگر وانکه مهر میراث بر حرا است **سوال** مردی وفات یافت و سه دختر بگذاشت یکی از ترکه پدر ثلث میراث برد دوم ثلثان سوم محروم ماند این مسئله چگونه باشد **جواب** آن میت بنده مردی بود سه داشت یکی بنده بود و آزاد یکی ازو دختر آزاد به خود بخرید پس او آزاد گشت زیرا که هر که ذی رحم محرم خود را بخرد بمجرد خریدن آزاد شود لبعده آمد وفات یافت ده درم مثلا که بعد ازوی کسب کرده بود ترکه بگذاشت ثلثان دانکه بنده بود محروم ماند زیرا که البنه ایشان برند و ثلث باقی هم یکی ازین دختر که پدر خود را که خرید کرده بود برد زیرا که مطلقه است پاس یکی از ایشان ثلث ترکه دوم را ثلثان و آنکه بنده بود محروم ماند زیرا که بندگی مانع ارث شد است **سوال** عصبه کدام کسان باشد **جواب** عصبه چهار قسم اند قسم اول فروع یعنی آنها که اولاد میت اند قسم دوم اصل یعنی آنها که میت در اولاد آنها است مثل پدر و اجداد هر قدر که بالا رود قسم سوم فروع پدر یعنی آنها در اولاد پدر میت اند مثل برادر و برادر زاده و اولاد او چهارم فروع جد یعنی آنها که اولاد جد مجد باشند مثل عم و اولاد عم والله اعلم بالصواب **سوال** زنی وفات یافت و شوهر و برادر مادری گذاشت یکی از ترکه آن زن سه سهم برد و برادر یکسهم این مسئله چگونه باشد **جواب** بگو آنکه سه سهم برده است آن شوهر میت است اول از ترکه زن خویش نصف میراث برد باقی هر دو برادران بمشافهت قسمت کردند یکی را سه سهم آمد دوم را یک سهم **سوال** جماعتی منتظر که میراث خود قسمت میکردند زنی آمد منع کرد و گفت درین وقت نکنید که این زمان حامله هستم اگر درین حمل من

او نبیره میت ست و نبیره اوفی بمیراث بردن ازبرادر والله اعلم بالصواب **سوال** بچه

الیست که نزدیک امام ابوحنیفه رح تولد او در ماه رمضان ست و نزد امام ابویوسف رح تولد

او در شوال ست چگونه باشد **جواب** بگو بچه الیست تولد او در آخر ماه رمضان است که

آن روز سی ام ماه رمضان بود دران شب کسی ماه ندید چون روز شد بعد از زوال ماه را دیدند

نزدیک امام اعظم رح روایت را اعتبار نیست پس روز ماه رمضان باشد افطار

در آن روز حلال نمی باشد و نزدیک امام ابویوسف رح آن روایت را اعتبار ست آن روز

از شوال باشد **سوال** زنیست که برقول ابوحنیفه بکر است و برقول امام شافعی

بکر نه چگونه باشد **جواب** بگو آن زنیست که بکارت او بزنا زایل شده است نزد

ابوحنیفه رح بکر است تا اگر مردی وصیت کرد که این دو درم را بابکار فلان بدهے

او در وصیت داخل شود امام شافعی او را بکر نگویند در وصیت داخل نشود **سوال** زنے

بچه آورده بود و آن بچه اش بمرد او را پرسیدند که زنده آورده بودی یا مرده گفت برقول

ابوحنیفه رح زنده و برقول امام مالک مرده صورت این مسله چگونه باشد **جواب**

بگو آن بچه الیست که بعد از تولد دست و پا جنبانیده است بعده بمرد زیرا که دست و پا

جنبانیدن و پلک چشم گردانیدن و عطسه زدن همه علامت حیات است نزدیک

امام اعظم رح اما نزدیک امام مالک حیات نکنند تا آنکه بآواز بلند نه نگوید **سوال** زید بر عمر

و نامه فرستاد مردم او را پرسیدند بتو مکتوب فرستاده است آنرا خوانده یا نه گفت لمری خوانده

برقول امام محمد خوانده است و برقول ابویوسف نه چگونه باشد **جواب** بگو عمرو در آن

زید بنیای نیز باشد از طرف مادر او پسر مر پسر پدر را برادر زاده باشد از طرف پدر و خواهر
زاده باشد از طرف مادر سوال زید مادر عمرو را بزنی کرده و عمرو مادر زید را یکی ازیشان
پسری آورد چه قرابت شود میان هر دو جواب بگو پسر زید مر پسر عمرو را او در باشد
و پسر عمرو مر پسر زید را او در و اگر عمرو دختر زید را بزنی کند و زید دختر عمرو را که از
زنی دیگرست بعده هر یکی ازیشان پسر آورد درین صورت پسر عمرو و پسر زید را بنیای
باشد و پسر زید مر پسر زید را بنیای باشد سوال مردی زنی را دید در م
مثل بزنی خواست و پسر آن مرد که از زنی دیگر بود و دختر آن زن که از شوهر دیگر بود
بزنی کرد بعده هر یک ازیشان پسر آورد میان هر دو پسر چه قرابت واقع شود جواب
بگو پسر پدر مر پسر پسر را او در باشد از طرف پدر و پسر پسر مر پسر پدر را خواهر زاده باشد
از طرف مادر والله اعلم بالصواب سوال کدام نمازست که بعد از فساد آن قضا
لازم نشود جواب بگو نماز عیدست که از شروع در فساد قضا لازم نشود سوال
کدام مسجدست از مساجد که او را در بعضی اوقات حکم مسجد نیست جواب بگو مسجد
از مساجدست که او را نمازیم نزد او در غیر آن مسجد نیست سوال کدام کس است از
نمازیان که نماز او بغیر قرائت رواست جواب بگو امی که قرائت خواندن نمیداند
و لنگ و لاحق یعنی آنکه با امام در نماز شروع کرده بود و او را حدث لاحق شد پس او
وضو سازد و نماز بغیر قرائت تمام کند زیرا که او حکما در پس امام ست و هذا در سهو فقت
سهو کند سجده لازم نیاید سوال مردی در نماز بود قرآن خواند نماز او فاسد شد چگونه باشد جواب

ن و فرزند زادی از الفاس پاک شدی

گرفت و بین خود را مشغر کرد چون از آهوان اندا اخت آهو بچه دید از آن سبب حق تعالی در ناف

او نسل او مشک نهاد بعضی گفته اند که مهتر ایوب علیه السلام بزحمت مبتلا گشت

بر کرانه دریا نحیف و ناتوان نشسته بود ماده آهوی آمد او را بدان حالت دید از غایت شفقت

او را شیر داد پس خدا تعالی از برکت آن در نافه او مشک نهاد و سوال چه حکمت

است که پیغمبر صلی الله علیه وسلم سنگی بر شکم خود بستی جواب بعضی گفته اند

از سبب گرسنگی بود تا قدری قوت حاصل شود و بعضی گفته اند که چون مهتر ابراهیم خانه

کعبه بنا کرد و حجر اسود نهاد ند از دست او هفتاد و پاره از و بشکست و جدا شد

حق تعالی مهتر جبرائیل را فرمود تا آنرا در جبل افغار برد تا آنکه پیغمبر آخر الزمان مبعوث

شود و بدو بند و چون پیغمبر صلعم با ابو بکر صدیق در غار رفتند مهتر جبرائیل آن سنگ

بکشید و به پیغمبر علیه السلام داد که این سنگ را بر خود به بند و تا از پس خود همچنان هیچ

از پیش سوال عصا مهتر موسی که مار شد چرا نرسید و مهتر ابراهیم از آتش نترسید

جواب بازگشتن عصا بصنع خدا تعالی بود بغیر واسطه پس خوف او در حقیقت

خوف از خدا تعالی بود اما فروختن آتش افعل آدمی بود پس جای خوف نبود والله

علم بالصواب سوال مرد نماز میگذارد و چون جانب راست سلام داد نماز وی فاسد

شد و چون جانب چپ سلام داد زکوة بر وی لازم پس نظر سوی آسمان کرد صوم

بر وی واجب شد بعده پس پشت نظر کرد و بنده وی آزاد گشت پس بر زمین نشست

حج لازم شد پس پیش خود نظر کرد زن بروی حرام شد جواب آنمرد لیست که نماز بتیمم میگذارد و چون بدست سلام داد

۱۳

بمقام دیگر بقصد جماعت برون آمد قطرات باران که بر گیاه افتاده بودند بر موزهٔ او رسیدند قایم مقام مسح شدند نماز فریضه روا گردد و نماز سنت بی روا سوال مردی سه خم دارد یک خم روغن دوم خم شیر سوم خم سرکه از هر خمی چیزی در میان طشت انداخت پس در میان طشت موش مرده یافت بر کدام خم حکم نجاست کند جواب شکم موش بشگافد اگر روغن از شکم موش بیرون آمد حکم نجاست بر خم روغن کند و اگر شیر بیرون آید بر خم شیر حکم نجاست کند و اگر سرکه بیرون آید حکم نجاست بر خم سرکه کند و اگر بعد شگافتن چیزی بیرون نیاید از شکم موش موش را پیش گربه اندازد اگر گربه بخورد حکم نجاست بر خم شیر و روغن کند و اگر گربه موش را نخورد حکم نجاست بر خم سرکه باشد سوال کدام سنت است که قایم مقام فرض است به ادای آن فریضه ساقط بشود جواب مسح موزه است که قایم شود بمقام شستن پایها که فریضه است والله اعلم سوال هر که نماز عمداً قضا کند یا روزه بشکند برای او چه قدر عذاب است جواب برای نماز یک وقت شصت هزار و چهار صد سال در عذاب گرفتار بماند و برای یک روزه ماه رمضان زیاده معذب گردد فقط تمام شد

رساله حل مشکلات الفقه المعروف بتحفة الفقه

استفتا جواب لکھا ہوا مولوی وجیہ الدین صاحب رحمۃ اللہ علیہ کا یہ ہے سوال آدمی کس چیز سے لونڈی اور غلام ہوتا ہے اور کونسا آدمی ہے کہ غلام اور لونڈی ہو سکتا ہے جواب آدمی حربی غلام اور کنیزک ہو سکتا ہے نہ غیر اسکا مگر ساتھ تبعیت اپنی ماں کے کنیزک ہوا اور سبب غلام اور کنیزک ہونیکا ابتداءً اور غلبہ ہے حالاً اور مالاً بالفعل اور آئندہ کو جز اسکا بیع وغیرہ اسکے لئے ہے کہ سبب پیدا کرنیوالا املاک کیسر جزیں غلبہ ہے نہ غیر اسکا اور محل اسکا ...

۱۵

کہ خرچ کیا ہے انہون نے جزیہ تاکہ ہوئین خون اونکے مانند خونون ہمارے اور مال اونکا مانند

اموال ہمارے پس وے معصوم بنفسہ ہین چنانچہ اسلئے کہ اوسکے قتل سے قصاص لازم

آتا ہے بحر الرائق مین آیا ہے کہ طحاوی مین مذکور ہے کہ ملک اختصاص حاجز ہی غیر کو اور غلبہ

کا سبب ہے اس لئے کہ بسبب غلبہ کے ثابت ہوتی ہے ملک ہر چیز مین کہ خالی ہو ملک سے

اور وہ چیز کہ خالی ہے ملک سے وہ ہی مباح ہے اور غلبہ فقط طریق ہے تمام اموال مین

اسلئے اباحت ہے اور اسمین اور بیع اور ہبہ اور مانند انکی ناقل مین ملک کے اصل ہوتی ہی بسبب غلبہ

کیطرف اسکی پس ہو اشرط بیع مین ہونا ملک کا وقت بیع کی تاکہ صحیح نہ ہوگی مباح غلبہ کے بسبب

خالی ہونے محل کے ملک سے وقت بیع کے اور مانند انکی ناقل مین ملک کے اصل دتی ہی بسبب غلبہ

کیطرف اسکی ہے نہ انتقال یعنی انتقال حاصل ہونا واسطے وارث کی پھیرنا بغیر عیب کے ثابت نہین

ہونا بخلاف مول لینے والیکے پس سابتین تین قول ہین ایک تو ثابت کرنیوالا واسطے ملک کے ہی اور

غلبہ ہی دوسرا نقل کرنیوالا ملک کو اور وہ بیع ہی اور مانند اسکی اور تیسرا خلافت اور وہ کہ وارث

اور وصیت ہی اور غلبہ مین ہوتا لشکر اور جہاد اور اذان بادشاہ کا شرط نہین ہی بلکہ چور اور

قیدی اور مستامن وغیرہ سے بھی ہوتا ہی اور در مختار مین لکھا ہی کہ پس اگر نکالے مستامن طرف

ہماری کوئی چیز مالک ہوتا ہے ملک حرام بسبب غدر کے پس تصدیق کر دے اسکو بخلاف

قیدی کے پس مباح ہی لغرض اوسکا اگر چھوڑ دین اسکو اہل عرب عنبت اسلئے کہ وہ مستامن

نہین ہی پس قیدی مانند چور کی ہی پس جائز ہی لینا مال اسکا اور قتل یا نفس کا لیکن ہم غنیمت

کی اور غلبہ اور قہر ساتھ اذن امام کے شرط یہ ہی پس جو کوئی داخل ہو دار حرب مین پس لوٹ لانا خمس

مناجات حضرت جنید

یا وہ مہدی ام ولد مہدی الیہ ہو نہین مملوک ہونگے وہ آزاد واسطے مہدی الیہ
کے یعنی اول وہ بادشاہ ہدیہ بھیجنے والا مالک ہوتا ہے من بعد مہدی الیہ پس اگر
ذی رحم محرم مہدی کا یا ام ولد اسکی ہے تو آزاد ہوئی مہدی پر اور انتقال ملک نہ
قبول نکیا پس مہدی الیہ مالک نہوا اور بیچ حکومت انگریزی کے اگرچہ دار حرب ہے
لیکن غلبہ یعنی اقتدار اور قدرت مالی تحقیق نہین پس حربی یہانکے یہان غلام وکنیزک
نہین ہوسکتے اور مسلمان اور ماریہ قبطیہ و ہاجرہ یان حضرت اسماعیل علیہ السلام
کی بسبب غلبہ کے غلام وکنیزک تہی نہ بسبب بیع اور ہبہ کے اس لئے کہ ماریہ اور ہاجرہ
ول کنیزک بیچنے والونکی نہین اور مسلمان وغیرہ بسبب پکڑے جانیکے غلام ہوئی
اسلیئے کہ زمانہ جاہلیت مین ایک گاؤن دوسری گاؤنسے اور ایک قریہ دوسرے قریہ سے خلاا
جداگانہ تھے ایک جگہہ سے پکڑکر جب دوسرے جگہہ جاتے تو احراز سا تھ
دار کے متحقق ہوتا ہ فقط (المجیب وجیہ الدین سہارنپوری) ✤

محمد صدرالدین - محمد کریم اللہ - مفتی اکرم المعروف - فقیر احمد سعید احمدی
مفتی محمد اکرم الدین عبدالخالق سید رحمت علی - محمد نذیر حسین
حبیب اللہ محمد قطب الدین